

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۱

جلسه ۷۷ - شنبه ۹۲/۱/۱۷

نقد و بررسی فرمایش محقق عراقی رحمته الله علیه

اینکه محقق عراقی رحمته الله علیه فرمودند اگر کلام محفوف به چیزی باشد که شک در قرینیت آن وجود دارد ولو بدو، مانع از انعقاد ظهور برای کلام می‌شود، قابل قبول نیست؛ به چه دلیل صرف وجود چیزی که شک در قرینیت آن بدو وجود دارد مانع از انعقاد ظهور می‌باشد؟ این ادعا هیچ برهانی ندارد و تنها مدرک آن می‌تواند وجدان باشد؛ زیرا ظهورات امور وجدانیه هستند، و می‌دانیم اگر به کلامی برخورد کنیم که محفوف به چیزی است که احتمال قرینیت آن وجود دارد اما احتمال بدوی بوده و با تأمل زائل می‌شود، قطعاً وجدان عرفی بعد از زوال این احتمال آن است که ظهور منعقد می‌شود و مستقر خواهد بود و آنچه معروف است که: «احتمال قرینیت موجود، موجب عدم انعقاد ظهور می‌شود» احتمال مستقر است نه احتمال بدوی زائل با تأمل.

این سخن نظیر کلامی است که گاهی در مسئله‌ی انصراف بدین صورت گفته می‌شود: فلان لفظ گرچه مطلق است اما به افراد خاصی انصراف دارد، سپس می‌گویند چون این انصراف بدوی است در اخذ اطلاق مضر نخواهد بود. ما نحن فیه نیز چنین است؛ یعنی خروج از محل ابتلا گرچه بدو قرینیت برای تخصیص ادله‌ی احکام دارد ولی چون این قرینیت مستقر نیست و علی‌الغرض با تأمل زائل می‌شود مانعی از تمسک به اطلاق وجود ندارد. در نتیجه اشکال محقق عراقی از این نظر بر کلام محقق نائینی وارد نیست.

نقد و بررسی فرمایش محقق نائینی رحمته الله

محقق نائینی رحمته الله در انتهای کلام خود «فتأمل» ذکر کردند؛ چه بسا اشاره به این مطلب باشد که این ادعا که اگر مخصّص متصل دارای مراتب باشد و بعض مراتب آن یقینی باشد و خروج بعض مراتب مشکوک باشد می‌توان در مراتب مشکوک به عموم عام و اطلاق مطلق رجوع کرد، با فهم عرفی سازگار نیست. در چنین مواردی با تطبیق بر مثال، مطلب واضح‌تر خواهد شد.

به عنوان مثال، اگر حاکمی به مأمور اخذ مالیات فرمان بدهد «از هر عابری مالیات بگیر، مگر از علما» طبق فرض، علما مخصّص متصل است که دارای مراتب مختلف است. قدر متیقن از کسانی که از لزوم اخذ مالیات خارجند علمای داری مراتب بالا هستند و اگر در مورد علمای مراتب پایین شک وجود داشته باشد آیا این مأمور به عموم عام رجوع می‌کند یا به اطلاق خاص رجوع می‌کند؟ اگر نگوییم به اطلاق خاص (علما) رجوع می‌کند حداقل آن است که این مأمور دچار سرگردانی می‌شود و نمی‌داند مرجع او چیست و لذا باید به اصول عملیه یا ادله‌ی دیگر رجوع کند.

لذا نمی‌توان گفت اگر مخصّص ذات تشکیک بود در مراتب مشکوک به عموم عام رجوع می‌شود؛ زیرا خلاف وجدان عرفی است. با دقت در ارتکازات عرفیه می‌توان به تحلیل صحیح در این مسئله دست یافت. تاکنون سخن شیخ تثبیت شده است؛ یعنی با شک در خروج از ابتلا، مرجع ما اطلاق ادله‌ی تکالیف یا «إجتنب عن النجس» است؛ زیرا مخصّص بودن خروج از محلّ ابتلا، به منزله‌ی مخصّص منفصل است که با چیدن صغری و کبری حاصل می‌شود و اجمال مخصّص منفصل به عام و مطلق سرایت نمی‌کند.

اشکال مرحوم آخوند بر کلام شیخ رحمته الله

مرحوم آخوند می‌فرماید: زمانی می‌توان به اطلاق «اثباتاً» تمسک کرد که امکان اطلاق «ثبوتاً» وجود داشته باشد، و إلا اگر امکان ثبوتی اطلاق احراز نشده باشد نمی‌توان به اطلاق «اثباتاً» تمسک کرد. و در ما نحن فیه از آنجایی که محال است تکلیف نسبت به موارد خارج از ابتلا وجود داشته باشد، زیرا لغو است و لغو از حکیم صادر نمی‌شود، لامحاله اگر در جایی شک شد که عملاً خارج از محلّ ابتلا

۱. و لو شك في ذلك كان المرجع هو البراءة لعدم القطع بالاستتغال لا إطلاق الخطاب ضرورة أنه لا مجال للتشبهت به إلا فيما إذا شك في التقييد بشيء بعد الفراغ عن صحة الإطلاق بدونه لا فيما شك في اعتباره في صحته، تأمل لعلك تعرف إن شاء الله تعالى. (كفاية الاصول «ط- آل البيت عليهم السلام»، ص ۳۶۱)

است یا خیر، در واقع شکّ در امکان تعلّق تکلیف در آن مورد شده است؛ زیرا اگر فی الواقع خارج از محلّ ابتلا باشد وجود تکلیف، محال است. و بالجمله از آنجا که امکان ثبوتی اطلاق محرز نیست وجود اثباتی اطلاق، قابل رجوع نمی باشد.

مقرّر: سید حامد طاهری